

# تعرض ارتجاع حاکم به حقوق شهروندان را درهم بشکنیم!

تقی روزبه



از این رو راهبرد رهبری و باندهای افراطی حاکم، معطوف به ایجاد عایق بندی بین دوسیاست متضاد انبساط مناسبات اقتصادی و سیاسی با خارج و انسداد سیاسی و امنیتی در داخل است.

بیاد داریم که خامنه ای سال جدید را سال مقابله با رخنه و تعرض فرهنگی دشمنان نامید و خطر آن را حتی آن از مشکلات اقتصادی هم مهمتر دانست. موضعگیری های اخیر در مورد نابرابری حقوق زن و مرد و توصیف برابری جنسیتی هم چون سخنی ناحق و غیر عادلانه، جز تحقق همان راهبرد نروزی اش نیست. سخنان صریح و بدون تعارف

رئیس قوه قضائیه در کسوت مهمترین مسئول دولتی به عنوان حافظ قانون و مدافع حقوق مردم در انکار مشروعیت حاکمیت به رأی مردم، حمله اخیر به زندانیان سیاسی با هدف زهرچشم گرفتن و اشاعه فضای رعب در جامعه، هیاهویی که از دیدار مقامات اروپائی با شماری از فعالان حقوق بشری بوجود آوردند و کنسل دیدار شماری از هیئیت های اروپائی، و یا قشقرقی که پیرامون دفن ایرانشناس آمریکائی در اصفهان برپا کرده اند، همه و همه بخشی از نتایج کاربرد راهبردی است که اساس آن در همان سخنان خامنه ای به مناسبت سال جدید گنجانده شده بود.

تجربه نشان داده است که هرچه رژیم احساس خطر بیشتری بکند و هرچه بیشتر نگران به هم خوردن تعادلش باشد، بهمان اندازه به فکر طراحی سناریوها و تعرض های تازه از موضوع واپسگرایانه می افتد و بهمان میزان درونمایه عمیقاً ارتجاعی و قرون وسطائی اش را بیرون می ریزد و نهایتاً در همین بستر است که با عروج به آخرین فاز انحطاط حکومتی به پایان خط خواهد رسید. در هر کشور مدعی دموکراسی اگر رئیس قوه قضائیه اش سخنی برخلاف نص قانون اساسی و رسمیش آنهم در باب حقوق اساسی شهروندان بزیان راند آن گونه که در جمهوری اسلامی صورت می گیرد، او ضمن عذرخواهی قادر به ادامه خدمت در آن پست نخواهد بود. اما در ایران اسلامی که بی قانونی و ولایت مطلقه قانون برتر است، ولی فقیه رئیس قوه قضائیه اش را از میان یکی از مرتجعترین و فاشیست ترین فقهای وابسته به خود برمیگزیند که نه فقط ذره ای

استقلال رأی در او مشاهده نمی شود که سخنان رهبری برایش جایگاهی فراتر از هرقانون دارد.

**حمله و تعرض جدید رژیم به حقوق شهروندان و زندانیان از کدام نگرانی رژیم منشأ می گیرد؟:**

رژیم که برای نجات از تنگناهای خفه کننده اقتصادی ناچار به گشایش مناسبات سیاسی و اقتصادی با دولتهای غربی گشته است، در همان حال بشدت نگران تسری آن به سایر حوزه ها است. گره زدن دو رویکرد همزمان و متضاد قبض و بسط یعنی سیاست انبساطی درحوزه خارجی و سیاست انقباضی درحوزه داخلی، در جهانی که مرزهای رسمی در برابر روندجهان شمول اقتصاد سرمایه داری و سیاست و فرهنگ و حقوق بشر... تاحدی بی معنا شده و درهم تنیده شدن بیش از پیش آنها می تواند موجب بهم خوردن تعادل و توازن درونی یک سیستم درخود گردد، یک معضل جدی و یک پاشنه آشیل واقعی است که عبور از آن کارهربندبازی نیست و حتی از رد شدن از روی پل صراط هم خطرناک تر است. از همین رو اگر این پاشنه آشیل از سوی دیگر بازیگران و نقش آفرینان هدف گرفته شود، چه بسا تعادل رژیم بهم بریزد. دوگانگی های ساختاری داخل وقتی به جریان ها و روندهای جهانی وصل شوند، یعنی درشرایطی که نادیده انگاشتن تأثیرات بین المللی و گزین سیاست عطف به درون و تنش با بیرون عملاً شکست خورده و منشأ انباشت بحران حاضر بشمار می رود و درحالیکه بخشی از حاکمیت تداوم آن را برای بقاء نظام خطرناک می داند و برای برون رفت از بحران کلافه کننده بدنبال گشایش اقتصادی و سیاسی با قدرت ها و بازار جهانی هست، اما بخش دیگری از حاکمیت ترکیب باصطلاح پروستریکا (بازسازی اقتصادی) با گلاسنوست (گشایش سیاسی ولو اندک) را با توجه به تراکم نارضایتی عمومی نسبت به اوضاع، خطرناک ارزیابی می کنند که می تواند منجر به آشوب های اجتماعی و زیرسؤال بردن اصل ولایت مطلقه و نواختن ناقوس فروپاشی نظام گردد. مگر نه این که در تظاهرات سال ۸۸ در کمال ناباوری شاهد فریاد مرگ بر اصل ولایت فقیه بودند؟. آنها تجربه فروپاشی نظام سلطنتی شاه (با زده شدن جرعه حقوق بشرکارت) و نیز بلوک شرق و تجربه ۷۸ و بویژه کابوس ۸۸ را در برابر خود دارند و از احتمال تکرار آنها دچار لرز و کابوس می شوند. بهمین دلیل بشدت بر عملکرد وزارت علوم و وزارت فرهنگ و ارشاد و سست شدن تسمه های سانسور و کنترل مطبوعات و یا مقررات سفت و سخت دنیای مجازی حساسند و نگران برآمد جنبش های مطالباتی- سیاسی بویژه جنبش دانشجویی و کارگری هستند. از این رو راهبرد رهبری و باندهای

افراطی حاکم، معطوف به ایجاد عایق بندی بین دوسیاست متضاد انبساط مناسبات اقتصادی و سیاسی با خارج و انسداد سیاسی و امنیتی در داخل است. به عبارت دیگر اگر در وجه بیرونی لبخند کارآئی دارد، در داخل کاربرد ممت آهین گره گشاست و پیام نهفته در معجون شفا بخش "آقا" هم در ذیل همین راهبرد قرار می گیرد. به نقل از مقاله پیام و ضد پیام و..".

در پشت سخنان اخیر صادق لاریجانی در مورد انکار مشروعیت برخاسته از رأی شهروندان و دفاع از قصاص و اعدام بخوبی ترس از گشایش فضای سیاسی و این که بر جرئت شهروندان افزوده شود مشهود است. او درجائی می گوید در ماه های اخیر هجمه هایی درباره حقوق بشر از سوی اتحادیه اروپا، وزارت خارجه انگلیس و آمریکا علیه کشور ما آغاز شده است که ما می گوئیم برای خودشان بحث می کنند، چرا که اقدامات ما مبنایی است. آنها اعلام می کنند که چرا در ایران اعدام وجود دارد که ما در پاسخ می گوئیم که بخشی از آن ناشی از قصاص است که حق است. در عین حال او در لابلای سخنانش برای بستن زبان اروپائیان به اعدام های بی مها با در کشوری که با اختصاص سرانه اول کشتار عمد در مقیاس جهانی نام دولت ایران را پر آوازه کرده است، از بیان این که این اعدام ها و نیز تلفات نیروهای نظامی در مقابله با قاچاق به اروپا هم هست، غفلت نمی کند تا شاید باین ترتیب بتواند از میزان فشارها بکاهد. همانطور که در همان مقاله در بند اول محورهای پیشروی آمده است:

اقدام نخست درهم شکستن عایق بندی خارجی و داخلی رژیم است. تمرکز و کانونی کردن اعتراض ها علیه نقض صریح موازین آزادی و علیه سرکوب و حول مصادیقی چون محکوم کردن و مقابله با اعدام ها، آزادی زندانیان سیاسی و فعالین اجتماعی، آزادی تشکل های مستقل اعم از صنفی و سیاسی و آزادی مطبوعات و بطور کلی نقض خشن حقوق بشر در همه عرصه ها از جمله تبعیض های مبتنی بر جنسیت و قوم و ملیت و مذهب و عقیده. افزایش فشار در این عرصه ها در کنار فشار بین المللی نهادهای حقوق بشری و افکار عمومی، می تواند عامل مؤثری در به چالش کشیدن سیاست عایق بندی و استراتژی تهاجمی رژیم در حوزه های داخلی باشد و بر تضادهای درونی اش بیافزاید و نهایتاً منجر به نفس تازه کردن و سنگربندی جنبش ها و جامعه مدنی گردد. به تجربه دیده ایم که باز شدن فضای سیاسی در حکومت های توتالیتر نقش مهمی در شکل گیری جنبش های اعتراضی و فرایند فروپاشی استبداد و الیگارش حاکم، و به صحنه آمدن و تعمیق مطالبات سرکوب شده دارد.

بی گمان این موج تهاجم جدید را تنها با گسترش مقاومت درعرصه های گوناگون می توان درهم شکست. وقتی خامنه ای حکم می دهد که زنان و مردان برابر نیستند، تنها پاسخ راه افتادن جنبشی است که بگوید حضرت آقا اشتباه می فرمایید! برخلاف "افاضات" شما ما برآنیم که برابری زن و مرد عین عدالت اجتماعی است. جنبش ضداعدام، جنبش ضد تبعیض جنسیتی\* جنبش آزادی زندانیان سیاسی، همه و همه بخش های از یک کارزار گسترده ای است که هدفش به عقب راندن رهبران آزادی و عدالت اجتماعی است. دغدغه های واقعی کشورهم چون فقر و بیکاری و یارانه ها، آلودگی زیست محیطی و خشک شدن دریاچه ها و تالاب ها و... هیچ قرابتی با دغدغه های خامنه ای و دیگر زمامداران کشور ندارد. وقتی اعتراض های کنونی پاسخ لازم را نمی گیرد، مردم بناگزیر باید با صدای بلندتری نیازها و دغدغه ها و بی اعتمادی خود به حاکمیت را اعلام کنند. چنان که اخیرا مردم بی اعتنائی به فراخوان انصراف از یارانه ها را که در حکم بخشی از سهم و ثروت های عمومی جامعه و متعلق به آنهاست، به یک رفراندوم واقعی تبدیل کردند. از سوی دیگر چندپارگی حاکمیت وقتی رفسنجانی و روحانی هم سخنان مافوق ارتجاعی خامنه ای را در مورد نابرابری زنان و مردان برنمی تابند، نشان دهنده آن است که تاچه حد رهبر واقعا "رهبر" است و تاچه میزان قدرت او سست و شکننده است و تنها قادر است با انتصاب مشتی نوکر و کارگزار سربفرمان و بله قربان گوئی چون صادق لاریجانی و سرداران سپاه و امثال آنها، پایه های قدرت فرتوت و پوسیده خود را برپا نگهدارد. امروزه بی اعتمادی جامعه و مردم به رژیم و از هر جناح در اوج است، این را رفراندوم نام نویسی یارانه ها و درجه کارکردکمپین های دولت ساخته بخوبی نشان داده است. چنانکه معاون حسن روحانی ابراز داشته است که آمار انصراف شهروندان از نام نویسی خوش آیند نیست. و حتی مانوراخیردولت در برپا کردن فیل بیمه مجانی و همگانی مردم ایران نیز نتوانست تأثیری در انصراف آنها بگذارد. و هم اکنون نیز برخلاف ادعاهای قبلی زمزمه هائی از قصد دولت برای ورود به حسابهای بانکی بگوش می رسد! نباید فراموش کرد که با فرونشستن گردوخاک تبلیغاتی و وعده و وعیدهای انتخاباتی و گشایش نسبی در مناسبات خارجی، زمان فروردین نیش ها و انجام شوک درمانی آزادسازی قیمتها و از جمله مرحله دوم هدفمندسازی یارانه ها که مأموریت واقعی دولت روحانی و تیم اقتصادی همراه او را تشکیل می دهد، فرامی رسد. فقط باید شش دانگ مواظب بود که حاکمیت در جهنم مملو از مارغاشیه ای که برپا کرده است مجددا نتواند کارگزاری ازدها صفت و درنمک خوابانده چون احمدی نژادها را برای فریفت مردم از توبره دومش بیرون بکشد!

در این مقاله به بررسی نقش و جایگاه حقوق کیفری در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود. حقوق کیفری یکی از شاخه‌های اصلی حقوق است که به مقابله با جرم و مجازات مرتکبان می‌پردازد. در نظام حقوقی ایران، حقوق کیفری بر اساس قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین مرتبط تنظیم شده است. این شاخه از حقوق به دنبال تحقق عدالت و بازگرداندن نظم و امنیت جامعه است. در این مقاله به بررسی مبانی فلسفی، اهداف و چالش‌های حقوق کیفری در ایران پرداخته می‌شود. همچنین به بررسی تغییرات و تحولات اخیر در این شاخه از حقوق اشاره می‌شود.

<http://www.radiofarda.com/archive/news/۲۰۱۴۰۴۲۱/۱۴۳/۱۴۳.html?i>  
[d=۲۵۳۵۷۰۳۵](http://www.radiofarda.com/archive/news/۲۰۱۴۰۴۲۱/۱۴۳/۱۴۳.html?i)

<http://www.radiofarda.com/archive/news/۲۰۱۴۰۴۲۱/۱۴۳/۱۴۳.html?i>  
[d=۲۵۳۵۶۲۵۵](http://www.radiofarda.com/archive/news/۲۰۱۴۰۴۲۱/۱۴۳/۱۴۳.html?i)